

# ویدیو و اجتماع گریزی

## تحلیلی بر نقش ویدیو در آرژانتین

رسانهها از آن پس دست به تهیه مطالبی خودجوش زدند تا جذابیت بیشتری به برنامههای خود بدهند. در کنار این نوع بهره‌گیری از رادیو، سیاست کشورها نیز به رسانه رادیو به چشم یک اهرم تبلیغاتی و اطلاعاتی منحصر به خود نگریست. در مورد آرژانتین، رادیو نقشی بنیادین در پیروزی پرونیستها در سال ۱۹۴۶ داشت. مراسم وگردهماییهای پرونیسم از طریق رادیو به طور گسترده پخش می‌شد و برای نخستین مرتبه رادیوی سراسری کشور خبرهای این جریان سیاسی را به‌طور مرتب پخش می‌کرد. همین پیروزی از طریق تبلیغات رادیویی، به‌روشنی ثابت می‌کند که وسیله و سلاح بستگی دارد که در دست چه کسی بیفتد. اگر خوبها رادیو را داشته‌باشند خوبها را و اگر بدها سلطه رادیویی داشته باشند، بدیها را ترویج می‌کنند. رادیو بدین سیاق مدتهای مدیدی نقش اصلی را تا قبل از صنعت تلویزیون در جامعه ایفا کرد. گرچه تلویزیون به‌طور وسیعتر و پرنفوذتر جای خود را در محیط تثبیت کرد ولی رادیو همواره مردمی‌تر و به اصطلاح خوش‌مشربتر با مردم تا می‌کرد و در دل مردم بیشتر جاداشت. مردم یک محل مثلا در منزل یک نفر که رادیو داشت جمع می‌شدند تا به اخبار و برنامه‌هایش گوش دهند. برنامه‌هایی که اکثرا ضبط بودند ولی برای شنونده‌های آن روزگار خیلی زنده بود. رادیو رسانهای بود که مردم را بیشتر به یکدیگر پیوند می‌داد تا از یکدیگر بپاشاند و این نقش حائز اهمیت است. از سال ۱۹۵۰ تلویزیون توانست

بشری که فقط توانایش در ابتدای خلقت در حد بویایی و شنوایی بود، توانست به صنعت چاپ و انتشار ایده‌ها و خواسته‌های ذهنی و روحیش دست یازد. نوشتن برای بشر حکم فنی تصویری و هنری تجسمی را داشت. این مسئله به منزله انقلابی در سنن و زندگی روزمره بشر بود و این انقلاب هنگامی بیشتر پا گرفت که رادیو نیز اختراع شد. با حضور رادیو شنیدارهای بشری طبقه‌بندی و درجه‌بندی شدند. رادیو، بشر را به دورترین نقاط روی زمین راهی کرد، امانه او را بلکه کلام او را و برعکس بیان دورترین نقاط را برای گوش او به ارمغان می‌آورد. رادیو آخرین تحولات را در کمترین زمان ممکن به گوش تمام مردم در اقصا نقاط جهان می‌رسانید. باتولد رادیو، روزنامه شکل امروزی آن وواژه خبر و اخبار نیز به‌موازات این دو متولد شد. و بدین ترتیب دنیا در قالب کلمات روزنامه‌ها و عبارات رادیویی در ذهن بشر مجسم گردید. عصر رادیو بخصوص در آمریکا و بویژه با برنامه رادیویی مریخیها که تجسمی خیالی از تهاجم اهالی مریخ به زمینها بود و اورسون ونو طراح و مجری برنامه بود، غوغایی برانگیخت و در برخی موارد عده‌ای حتی به خاطر تبلیغات داغ و عبارات پرنفوذ و کلام مجری دست به خودکشی زدند. و این دوره از پخش رادیو، عصری تازه در این صنعت رسانهای محسوب شد.

همگان می‌دانند که طی قرنهای بسیار، بشر تنها به قصه و حکایت آن‌هم به شکل بیانی و کلامی و نه مکتوب گوش می‌داد و روایان نیز منحصرأ هم‌نوع یا هم‌نوعان بشر بودند. صدها سال گذشت تا تمدن بشری به فن خط و نوشتن آشنا شد و سپس با شنیده‌ها و نوشته‌ها توانست به خواندن نیز بپردازد. چاپ و صنعت حک حروف بر کاغذ و پوست به‌واقع درجه متعالی این استعدادهای کلامی، بیانی و نوشتاری شد و بشر بدین ترتیب قدرت تخیلش را وسعت دیگری بخشید.

در این تحقیق و مقاله که با عنوان صنعت ویدیو در آرژانتین ارائه می‌شود به بررسی وسایل ارتباط جمعی به‌طور اعم و ویدیو به‌طور اخص اشاراتی داریم. روشهایی کاملا فنی که تحولی عظیم و عمیق در حساسیتهای بشری ایجاد کردند.

و برای دیگران - محبوس سازد تا از همسایه، همدل، همراه، همفکر و همنوع دورش کند. وی را درگیر و اسیر دل مشغولیهای خود و دلتنگیهای خصوصیش کند تا دیگر حوصله و علاقه و نگرانی باتبديگری، دیگران، هموعان، همسایگان و همشهریهایش نداشته باشد. این همان بید مخرب و نقش خطرناک رسانه گروهي است که هیچ نشانی از گروهي بودن در آن نیست، بلکه رسانه‌های خودی و تکروست. خود بدین ترتیب از جمع گریزان می‌شود، چرا که سلیقه‌اش را دستگاهی دوست داشتنی به نام ویدیو ارضا می‌کند و دیگر اهمیتی ندارد همسایه و اجتماع چه می‌گوید و چه می‌خواهد. این سرکوب علائق مردمی و همنوع دوستی بهترین روش برای خفه کردن احساسات اجتماعی فرد است. در آمریکای لاتین این پدیده موفق بوده و نقش خود را در جهت مقاصد امپریالیستها به نحو عالی ایفا کرده است و با درک این جنبه از سیاست گزاری ویدیو سازان و مبلغان ویدیو در دنیا، می‌توان نقش بازار پرسود و خطرناک ویدیو را در آرژانتین بویژه از لحاظ سیاسی و جامعه‌شناسی درک کرد.

دانستن صرف ارقام در این پدیده همه‌گیر یعنی صنعت ویدیو، کافی نیست تا تحلیلی روشن از نفوذ خطرناک این سینمای خانگی، در اجتماع و همنشینی مردم به دست دهد. آنچه لازم است دانسته شود، باز شناختن چرایی این قضیه و رشد سرسام‌آور ویدیو در کشور است. مسلم آن است که هر قدر ذوق مردم به جمع‌گرایی و همدلی و همنشینی کاهش یابد به همان میزان خصلت و خصوصیت فردگرایی و تک‌نشینی در وی فزونی خواهد یافت. استکبار نیز درست همین قلب زنده مردمی و اجتماعی را

## ● مخربترین و فساد انگیزترین اثر در صنعت سینمای ملی آرژانتین، همین صنعت بی‌در و پیکر و غیر معقول ویدیو است.

ابعاد جامعه‌شناسانه و روانشناسانه و صدماتیته سیاسی و اقتصادی قضیه بررسی کرد. حضور پدیده ویدیو در اجتماع مصادف بود با ناپایداری جنبه آمیزش سالم و مردمی رسانه رادیو یا تلویزیون بین مردم. ویدیو ارتباط بین مردم را از هم گسیخت و سبب شد تا محافل مردمی و عمومی رادیو دوستها و تلویزیون بینها به محفلی خصوصی تکنفره و منزوی از اجتماع عاشقان ویدیو تبدیل شود و این خواست همیشگی امپریالیسم در جوامعی از این دست بوده، بگذریم از آنکه استکبار همین سیاست را در اروپا هم می‌خواست اعمال کند.

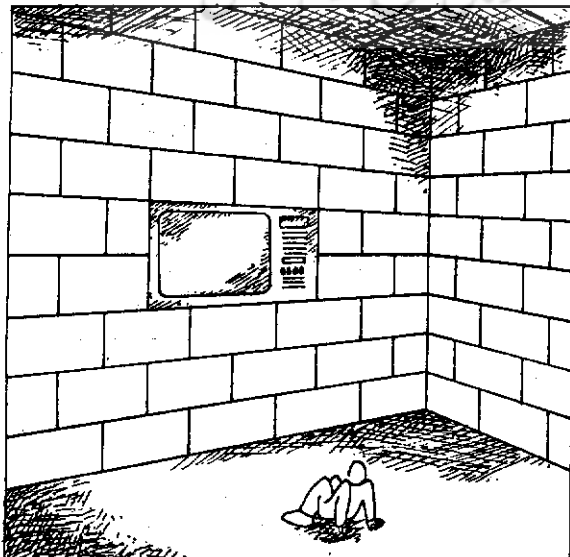
سیاست امپریالیستها با تحمیل ویدیو و ویدیوبینی بر این استوار است که سلیقه‌های مردم سیما دوست را به سمت خصوصی بودن، زندگی خصوصی و محافل خصوصی و به عبارتی مالکیت خصوصی حتی در بعد تفریحات سوق دهد و از اجتماعی‌گری و جامعه‌دوستی ایشان را دور کند. و انسان را در چارچوب منزل خودش و چهار دیواری خانواده خودش - و نه با دیگران

نقش اصلی را در توجه و علاقمندی مردم در قیاس با رادیو ایفا نماید. تلویزیون آنروزها تا این حد، آلوده و ملعبه دست این و آن نبود. و مثل رادیو حکم ارتباطی و همبستگی مردمی را داشت و همان صحنه که برای شنوندگان رادیو پیش می‌آمد، برای بیننده‌های تلویزیونی روی می‌داد. تجمع در یک منزل یا یک مکان عمومی برای دیدن برنامه‌های تلویزیونی.

تلویزیون در دهه پنجاه و شصت در آرژانتین، به طور گسترده‌ای نقش حضور خود را تثبیت کرد و حتی فقیرترین اقشار مردمی نیز می‌توانستند از داشتن یک دستگاه تلویزیون برخوردار باشند. منظور از این توانایی این است که یک شهروند جهان سومی می‌توانست، از داشتن یک دستگاه تلویزیون برخوردار شود هر چند با خرید قسطی آن. بگذریم از آنکه پس از سقوط پرونیسم، لایحه‌ای تقدیم مجلس شد مبنی بر اینکه اسم پرونیستی از رادیو و تلویزیون حذف گردد و بدین ترتیب واقعیت موجود اجتماع یانفی شد و یا کتمان گردید. این نام در خیابانها نیز سانسور مانی شد

و مردم با احتیاط نام پرون را می‌بردند، همان جایی که بعدها سنگر مقاومت پرونیستی شد و علیه رژیم‌های امپریالیستی و حکومت‌های هزار فامیلی برخاست. تلویزیون به مثابه تمامی تلویزیونهای جهان، خود را برای ایفای نقشی پنهان کارانه و انگار فریاد و خواست مردمی که فقط خواهان عدالت اجتماعی بود، آماده می‌کرد. اما به هر تقدیر تلویزیون همچنان نقش ارتباط مردمی و پیوند طبقات و اقشار مختلف مردم را بایکدیگر حفظ می‌کرد. به زودی و پس از مدت کوتاهی از گسترده‌تر شدن نقش تلویزیون در اجتماع، ویدیو نیز حضوری قاطع بین قشرهای خاصی از مردم پیدا کرد.

حال می‌پردازیم به تحلیل نقش و عملکرد این پدیده تصویری و رسانه‌ای در کشور آرژانتین. می‌توان نقش این صنعت سینمای خصوصی را از



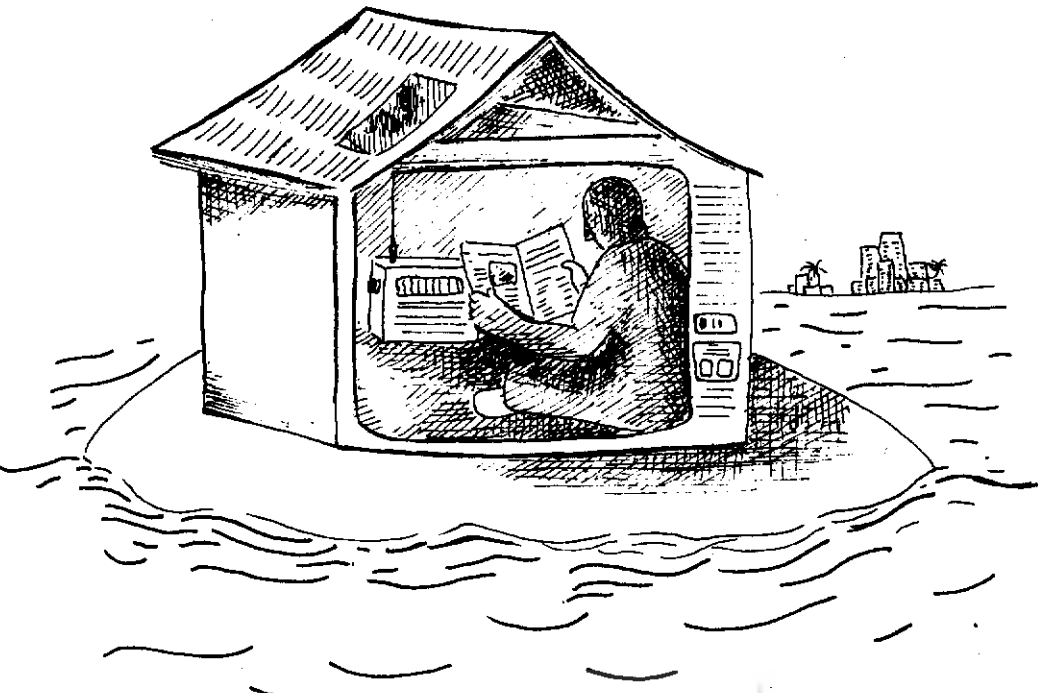
هدف قرار داده و خواسته است فرد را از حساسیتهای حاکم بر جامعه‌اش کاملاً دور سازد. استکبار همواره در این زمینه با تشویق رشد ویدیو بینی، حس انزوا طلبی و تکروی را در مردم تقویت کرده است. فکر می‌کنم با این نوع تفاسیر درک اینکه چرا ویدیو توانسته تا این حد در منازل و محافل و مجامع خصوصی مردم راه پیدا کند، روشنتر و آسانتر گردد. آنچه در خصوص تمامی رسانه‌های گروهی بویژه مطبوعات و رادیو تلویزیون و ویدیو می‌توان نتیجه‌گیری کلی نمود، این است که آنچه این رسانه‌ها به عنوان سیاست کلی می‌گویند ردخور ندارد و تنها راه ممکن و تنها راه میسر برای معضلات جامعه، همان است که اینها می‌گویند و تبلیغش را می‌کنند و هر کس هم بخواهد خلاف جریان شنا کند، مارک ناسازگار و مخالف بانظم و سیستم اجتماعی بر او می‌زنند. مسئله اعتصاب یا اعتراض، و راه‌پیمایی سیاسی و هرگونه تظاهراتی در این قبال به عنوان کاری خود محور، تکروانه و فردگرا به حساب می‌آید، و خطری علیه مقاصد جوامع محسوب می‌شود. پیام صنعت ویدیو و ویدیوچیها این است:

«در منزلت بمانی، ما: (یعنی وسایل ارتباط جمعی) با توایم. نگران اوضاع و حوادث نباش. اخبار را ما برایت در منزل در حالی که تو روی مبل راحتیت لمیده‌ای به تو می‌دهیم» و یا «تو پدر خانوادگی، برای چه می‌خواهی درگیر اوضاع آشفته جهان شوی. ما همه حوادث را به‌طور چکیده و شسته رفته برایت گلچین می‌کنیم. در منزلت بمان و حواست به ما باشد.....» این همان پیام ارتجاعی و بسیج برافکن استکبار است. همان پیامی که بذر نفاق، دوری از هم‌نوع و جدایی از هم‌سایه را می‌پراکند.

متأسفانه تا این لحظه استکبار در بکارگیری این سیاست موفق بوده و توانسته است در ذهنیت ناآگاه قشری عظیم از جامعه به کمک ویدیو و تلویزیون و رادیو و مطبوعات هر چه می‌خواهد بکار دوالقا کند. البته رادیو و تلویزیون رسانه‌هایی به‌ظاهر آگاهی دهنده هستند، ولی چه

نوع آگاهی؟.... آن آگاهی خفته و خفیفی که بشر را بیشتر به خواب غفلت و بیخبری از اوضاع و احساس راحتی بیندازد. سپس تبلیغات چون موجی همه‌گیر به کمک ویدیو و دیگر رسانه‌های گروهی می‌آید و در بزرگنمایی این بحران صوتی و تصویری و تحریری می‌کوشد.

فرد با داشتن یک روزنامه و رادیو و تلویزیون و ویدیو خود را در جزیره‌ای امن از اقیانوس اجتماع محبوس می‌کند و تصورش یعنی همان تصور تحمیلی و القایی استکبار و بس و هر چه می‌بیند همانی است که استکبار می‌خواهد که ببیند. استکبار با این القای تصویری و نوشتاری و کلامی به فرد می‌فهماند که زیاد در بند هم‌نوعش نباشد حتی به رقابت با او بپردازد



آرژانتین قابل تعمق است. لازم به ذکر است که ۲۰ میلیون نفر نیز دارای تلویزیون هستند که البته صاحبان تلویزیون رنگی به مراتب کمتر هستند و صاحبان تلویزیون سیاه و سفید نیز بیشتر در مناطق فقیر نشین مقیمند، و رقم طبقات فقیر و مردم مستمند نیز در آرژانتین بالغ بر ۹ میلیون نفر می‌شود. طبیعی است که هر کس ویدیو دارد می‌بایست یک تلویزیون هم بخرد و یا الزاماً آن را داشته باشد. پس اگر قیمت یک دستگاه ویدیو بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ دلار باشد و تلویزیون را هم چیزی در همین حدود تخمین بزنیم، پس شخص باید لااقل ۱۰۰۰ دلار بابت یک دستگاه تلویزیون و ویدیو پرداخته باشد. بدیهی است خرید و در تملک گرفتن این دو دستگاه با این بها برای حاشیه نشینان و طبقه مستمند امری بعید است. به‌طور متوسط حدود ۲ هزار عنوان فیلم در این ویدیو کلویها توزیع می‌شوند. ویدیو کلویها طی یک برنامه‌ریزی خاص، دست به انتشار بولتنهایی درون تشکیلاتی زده‌اند که فهرست پربیننده‌ترین فیلمهای خود را در همین انتشارات ذکر می‌کنند. مروری بر پربیننده‌ترین فیلمها طبق فهرست اجاره آنها، همین‌طور مروری بر لیست کلی فیلمها نشان از نفوذ و سلطه فیلمهای آمریکایی در پهنه صنعت ویدیو در جهان دارد که بیشتر مظهر خشونت و اعمال جنگی است و عمدتاً نگرانی، همان تبلیغات استکباری است که به‌عنوان نخستین ضریب منفی ویدیو در ذهن نقش می‌بندد. در میان تنوع فیلمها، یک فهرست مفصل نیز از نوارهای موزیکال مشاهده می‌کنیم.

نگاهی گذرا به نمونه ویدیوهای موزیکال از طریق تلویزیون به‌خوبی روشن می‌کند که این

تلاش کند هم‌نوع را نابود کند. حاصل بیشتری از زندگی نصیب خود سازد و خلاصه به کم‌قانع نباشد. هر چه می‌تواند ببرد و نفع کند. و در تصاحب بگیرد و به قول معروف «مراهست بط را زطوفان، چه باک» را شعار خود سازد.

### ویدیو در نگاه آماری و ارقامی

حال که برخی ابعاد جامعه شناسانه صنعت ویدیو و نقش جامعه‌سوز آن را دیدیم، می‌پردازیم به گوشه‌ای از اطلاعات آماری و ارقامی این نوظهور مخرب، نوظهوری که اگر به شکل دیگری از آن استفاده می‌شد هرگز به این نقش تخریبی اشاره‌ای نمی‌شد..... ویدیو همان‌طور که دیدیم آگاهی دهنده است، ولی چه نوع آگاهی؟ آن گونه که استکبار می‌خواهد و نه آن گونه که بی‌انگه واقعیت باشد. تأثیر ویدیو را بر سینمای کشور نیز نمی‌توان نادیده گرفت. سینمای آرژانتین همواره مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین سینمای آمریکای لاتین محسوب می‌شده است. فیلمهای این کشور همیشه از سطح بالای فنی و بعضاً کیفی برخوردار بوده است. هویت این سینمای ملی از آغاز حضور ویدیو همیشه مورد تهدید بوده است. سینمای آرژانتین از سال ۱۹۸۵ به این طرف بویژه در چندین فستیوال بین‌المللی کان، هاوانا و چندین مجمع مهم سینمایی مهم و جهانی حضور داشته است.

در آرژانتین قریب ۳۲۰۰ ویدیو کلپ وجود دارد و حدود ۸۰ توزیع کننده فیلم و نوار ویدیویی، ماهانه قریب ۷۰ هزار نوار ویدیو در عناوین مختلف تکثیر و توزیع می‌شود. ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ویدیو در منزل دارند که این رقم با توجه به جمعیت ۳۵ میلیونی

## ● حضور پدیده ویدیو در اجتماع مصادف بود با ناپایداری جنبه آمیزش سالم و مردمی رسانه رادیو یا تلویزیون بین مردم.

## ● در آرژانتین ۳۲۰۰ ویدیوکلپ وجود دارد و ماهانه قریب ۷۰ هزار نوار ویدیو در عناوین مختلف تکثیر و توزیع می شود.

## ● قریب ۶۰ درصد نوارهای ویدیویی، نوارهای غیر قانونی و بدون مجوزند.

## ● ویدیو فقط یک سینمای خصوصی و خانگی نیست. یک خود مختاری فردی و یک اجتماع گریزی حاد است.

نوع واریته های تصویری و موزیکال به جز تبلیغ وسیع موسیقی غربی که هیچ به موسیقی اصیل آرژانتین شباهتی ندارند، نازلترین نوع هنر را به نمایش در می آورند، گرچه در برابر این نوع موسیقی ویدیویی مبتذل، موسیقی غنی و کهن نیز هست که غالباً به زیباترین شکل موجود طراحی، تنظیم و تصویر می شود. استکبار تنها قصدش ترویج بی سواد است. نگاهی به ارقام و اعداد این صنعت تصویری نمایانگر این واقعیت است که رشد ویدیو کاست، چه نوار وجه دستگاه پخش و ضبط آن روز به روز رو به افزایش است. امسال فروش این دستگاه تصویری، قریب ۳۰ درصد رشد داشته است. طبقه متوسط جامعه آرژانتین علی رغم نیازهایی که به خرید وسایل اولیه زندگی دارد، به راحتی قادر نیست از خرید این دستگاه چشم ببوشد.

علاوه بر این صنعت همه جاگیر و غیر ضروری، قضیه تلویزیونهای خصوصی و کانالهای خانگی است. در این ارتباط سه مجموعه ویدئو کابل، باتلویزیونهای خصوصی و خانگی و نه سراسری و عمومی، در این کشور به فعالیت مشغولند. حوزه پوشش این بخش خانگی و تصویری در محدوده شمال بوئنوس آیرس و پایتخت متمرکز است. باپرداخت مبلغی ماهیانه به شکل ثابت و پیش پرداخت یک حق اشتراک، مشترک می تواند از چندین کانال خصوصی برخوردار شود و البته در میان این کانالها یک کانال مختص به بخش اخبار از شبکه های آمریکایی و مبلغان مسیحی است که در واقع سخنرانان جامعه پانکی هستند، در پوششی از برنامه های متنوع و گلچینی از فیلمهای خوب سینمایی برای جذب بیننده بیشتر. صنعت ویدیو غرق در دزدی سینمایی است. قریب ۶۰

درصد نوارهای ویدیو نوارهای غیر قانونی و بدون مجوزند. یکی از اینها فیلم سور (جنوب) اثر پینوسولاناس کارگردان آرژانتینی است که از هواداران قدیمی و پروپاقرص پرونیستها به شمار می رود. (۱) چنین نمایشهای غیر قانونی به لحاظ مادی و معنوی به ضرر کارگردان و خالق اثر است.

مخربترین و فسادانگیزترین اثر در صنعت سینمایی ملی کشور، همین صنعت بی دروپیکر و غیر معقول ویدیو است، که قارچ گونه در سرتاسر پهنه هنر هفتم سبز شده است. این قضیه از سوی دیگر نشان دهنده ضعف صحنه گردانان کشور است. قابل ذکر است در دوران حکومت آلفونسین سینمای کشور دچار رکود عمیقی شد. و به سبب باز گذاشتن دست دزدان، سینمای ملی دچار نقایص و کمبودهای فراوان شد. از سوی دیگر بهای بلیط آنقدر گران بود که یک خانواده نمی توانست هزینه تماشای یک فیلم را بپردازد. از این رو بار دیگر بازار ویدیو و ویدئویوبینی گرمتر از پیش شد.

از یکسو ویدیو بازار گرم و پیررونی پیدا کرد. اما قیمت یک دستگاه ویدیو و تلویزیون رنگی سرسام آور بود. از سوی دیگر بهای بلیط فیلم در سینما گران بود و فیلمهای تلویزیونی هم اقتضاح بودند. این دو عامل باعث شد تا بیننده همیشگی سینما، و سینما روی قدیمی و سنتی دیگر نتواند به تفریح ایده آلش بپردازد.

حاصل کار این شد که سینمای ملی در مسیر قهقرا افتاد. چرا که بیننده سینما رو که فقط از فیلمهای پرتحرک غربی و هر از گاهی هم از سینمای داخلی لذت می برد، دیگر ارتباطش

باسینما قطع شد و اگر دستش می رسید به دیدن فیلمهای ویدیویی بسنده می کرد، که آنها هم بیشتر محصول سینمای غرب بودند.

از طرف دیگر، با روی کار آمدن منم و قانون اضطرار اقتصادی، مؤسسه ملی سینمای کشور راز همان سوبسیدهای مختصر قدیم هم محروم و مشکل سینمای داخلی دو صد چندان شد. همین بس که بدانیم کارگردان مهم و اصلی چون «الیسه ذوسوبیلا» با فیلم ارزشمندش مردیکه به جنوب شرقی نگاه می کنند نتوانست تا مدتها آخرین فیلم شاهکارش را با عنوان آخرین تصاویر گشتی شکستگی در سینمای کشور به نمایش در آورد. فیلمی که قبل از نمایش داخلی در سینماهای خارجی به روی پرده آمد. سینمای کشور در یک کلام از کمبود یک پروژه ملی غیر وابسته به مراکز و مراجع قدرت رنج می برد.

خلاصه کلام اینکه: قضیه صنعت و بازار ویدئو و ویدیو را می بایست با ملاحظه بهم ریختگی و ناپیوستگی سیاسی حاکم بر کشور مورد مطالعه قرار داد. این بهم ریختگی سیاسی و این خلع سلاح سینمایی کشور را بویژه در سالهای آخرین دوره دیکتاتوری نظامی بین ۱۹۷۶-۱۹۸۳ و همین طور در طول اولین دوره حکومت دموکراسی آلفونسین طی سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۹، شاهدیم.

بدین گونه صنعت ویدیو توانست هم بازار سینمای ملی را اشغال کند و هم فرهنگ انزوا، تجرد و فرد گرایی را بین علاقمندان سینما و خانواده ها جاببندازد، به نحوی که دیگر کسی در اندیشه دیگری نخواهد بود. ویدیو فقط یک سینمای خصوصی و خانگی نیست. یک خود مختاری

فردی و یک اجتماع گریزی حاد است. طبیعی است وقتی مردمیها و همسایه نوازها و همونع پروریها از میان بروند، کبر و نخوت در هیئت استکبار به چهار دیواری منزل شخص قدم می گذارد. ویدیو نقش باز دارنده ای در حرکت فرد و به طبع هر حرکت و روند اجتماع دارد. حتی بیشتر از این، عامل واپس گرایی و پسروی اجتماعی است. شخص باید پذیرا شدن میهمانی به نام ویدیو در منزلش در حقیقت به سبزیبان یعنی خودش پشت پازده و تر جیح می دهد به جای خود او قهرمانان خیالی فیلمها از پهنای به وسعت یک پرده تلویزیون جولان دهند.

نماینده فرهنگی ایران در بوئنوس آیرس

پانوش

(۱) سولاناس به همراه اوکتاویو ختینو، سینمای آزاد را در صنعت سینمای آرژانتین بنیان نهادند. در فیلم بلند و ۶ ساعته ساعت کوررها که این دو ساخته اند، تاریخچه مبارزات پرونیستها علیه دیکتاتوریهای نظامی به تصویر درآمده است. این فیلم شایسته جوایز مختلف جهانی و شهرتی چشمگیر بود، که چنین هم شد.